فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل ودوم، بهار ۱۴۰۲- صفحات ۳۸۶-۳۵۹

مطالعه و بررسی شاخص‌های اقتصادی و توسعه منطقه‌ای موثر بر جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور

نوع مقاله: پژوهشی

افشین کسالایی[۱]
میثم موسایی*[۲]
رضاعلی محسنی [۳]
خلیل میرزایی[۴]
بهرام قدیمی[۵]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۲

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی عوامل اقتصادی و توسعه منطقه ای موثر بر جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته ایران در طی سالهای ۱۴۰۰-۱۳۹۵ می پردازد. جهت بررسی موضوع فوق تاثیر متغیر مستقل(شاخص های اقتصادی-توسعه منطقه ای) بر متغیروابسته(میزان جذب مازاد سرمایه) مورد بررسی قرار می گیرد. جامعه آماری در این پژوهش ۳۱ استان کشور می باشد که در این میان ۴ استان کم تر برخوردار (کمتر توسعه یافته)، (کردستان، هرمزگان، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان) با توجه به بررسی های انجام شده (با تکیه بر سه اصل فرصت ها، قابلیت ها و دستاوردها) به صورت هدفمند به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند. روش تحقیق این پژوهش از نوع روش های میکس متد (کمی-کیفی) بوده و از تکنیک های دلفی فازی، تاپسیس- تحلیل عاملی، معادلات ساختاری – تفسیری و معادلات ساختاری در آن استفاده

۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
aksl96@yahoo.com
۲ استاد گروه آموزشی توسعه و سیاستگذاری اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mousaaei@ut.ac.ir
۳ دانشیار گروه جامعه شناسی ، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mohseni.net14@gmail.com
۴ دانشیار گروه جامعه شناسی ، واحد رودهن، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mirzaeikhalilr@yahoo.com
۵ دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات ، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
dr.b.ghadimi@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

شده است. داده‌های کمی و کیفی با روش‌های ذکر شده جمع آوری شده و با استفاده از آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل و تبیین قرار گرفته اند. این پژوهش با هدف "طراحی الگو و سازوکارهای افزایش قابلیت جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه‌یافته (کمتر برخوردار) انجام شده ونتایج به دست آمده حاکی از این است که فرضیه مطرح شده تأیید شده و متغیرمستقل بر متغیر وابسته اثرگذار می باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه، جذب مازاد، کمترتوسعه یافته، فرصت، قابلیت، دستاورد
طبقه بندی JEL: R11,R13.R53,R58

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مقدمه

امروزه اهمیت سرمایه گذاری در توسعه بر کسی پوشیده نیست ، در تئوری های اقتصادی، سرمایه گذاری به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی شناخته شده و لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی، داشتن رشد اقتصادی مناسب، مداوم و مستمر است.از دیدگاه اقتصادی، سرمایه گذاری خالص مثبت و مستمر، بستر لازم را برای توسعه فراهم می آورد و سرمایه فنی لازم را برای این مهم تشکیل می دهد(کرمی،۱۳۸۷:۱۳). سرمایه گذاری یکی از مهم ترین متغیرهای کلان در اقتصاد محسوب می شود و تحت تأثیر عوامل متعدد مانند متغیرهای پولی و مالی، سیاسی و ساختاری قرار دارد. تقریباً اکثر اقتصاددانان، بی توجه به مکتب و دیدگاه فکری خود، بر تمرکز و تشکیل سرمایه به مثابه مهم ترین عامل تعیین کننده رشد وتوسعه اقتصادی تأکید زیادی داشته اند. کمبود سرمایه گذاری در مباحث اقتصادی، به عنوان یکی از مهم ترین عوامل توسعه نیافتگی مطرح شده است؛ به عبارت دیگر، رشد و توسعه اقتصادی بدون انباشت سرمایه امکان پذیرنخواهد بود، آن چنان که بسیاری از متفکران دلیل توسعه نیافتگی بسیاری از کشورها را کمبود درآمد و پس انداز ودرنتیجه سرمایه گذاری ناکافی می دانند(آسیدو،۲۰۰۲،اسلام،۲۰۰۴) به اعتقاد نورکس معنی و مفهوم تمرکز سرمایه این است که یک جامعه تمام ظرفیت های مولد جاری خود را صرف تأمین نیازهای مصرفی خود نمی کند، بلکه بخشی از منابع مالی خود را صرف تولید کالاهای سرمایه ای مانند ماشین آلات، تجهیزات، ابزارهای تولید و تسهیلات حمل و نقل می کند. به عبارت دیگر، تخصیص بخشی از منابع جاری سرمایه جامعه به بخش های دیگر به منظور افزایش ذخایر سرمایه به صورت کالاهای سرمایه‌ای، تا بتوان در آینده امکان بسط و توسعه بخش های تولید کالاهای مصرفی را ایجاد کرد، می توان به عنوان ماهیت و جوهر تمرکز سرمایه بیان کرد(قره باغیان،۱۳۷۱:۵۲۱). شرط تحقق این مساله در آن است که حداقل بحشی از مازاد سرمایه ناشی از سرمایه گذاری صورت گرفته مجددا در همان مناطق سرمایه گذاری و تراکم سرمایه به صورت تکاثری باعث رشد مستمر و ایجاد اشتغال و رفاه بیشتر گردد. در استان های مختلف ایران غلی رغم تخصیص اعتبارات قابل توجه مازاد سرمایه ناشی از ارزش های ایجاد شده مجددا در منطقه سرمایه گذاری نشده است و از منطقه خارج شده و لذا نتوانسته به توسعه مناطق کمک کند این مشکل به عوامل متعددی برمی گردد که باید بررسی شود اما به نظر می رسد که الگوی تخصیص منابع در این مساله بیشترین نقش را داشته باشد بر این اساس پرسش اساسی و بنیادی این پژوهش این است که، چه الگویی می‌توان طراحی نمود که در آن مازاد سرمایه مناطق کمتر توسعه‌یافته در درون خود این مناطق جذب شوند تا هم به توسعه منطقه ای و محلی کمک نمایند و هم منافع کلان آن نصیب توسعه همان مناطق و در نتیجه گروه‌های کم درآمد و آسیب‌پذیر این مناطق شود؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

هدف کلی این پژوهش طراحی مدل افزایش قابلیت جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته می باشد که در راستای این هدف به بررسی و مستندسازی نظریات موجود در زمینه افزایش قابلیت جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه‌یافته ، بررسی و انجام مطالعه تطبیقی تجارب کشورهای منتخب در حوزه افزایش قابلیت جذب مازاد سرمایه دراین مناطق ، انتخاب، معرفی و بکار بست روش‌شناسی، روش و ابزارهای مناسب مؤثر در افزایش قابلیت جذب مازاد سرمایه ، تبیین و ارائه مدل کاربردی مناسب برای کشور در جهت افزایش قابلیت جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، ارایه راهبردها، سیاست‌های اجرایی و برنامه های اقدام در جهت افزایش قابلیت جذب مازاد سرمایه و در نهایت ارائه و تبیین راهکارها، پیشنهادات و رویه‌های سیاستی در خصوص افزایش قابلیت جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه‌یافته پرداخته شده است.

ادبیات پژوهش

بیش از دو قرن است که رشد اقتصادی و به تبع آن توسعه اقتصادی ذهن اقتصاددانان را به خود مشغول کرده است و با آنکه پیشرفت هایی در این زمینه شده است، هنوز بسیاری از موضوعات ناشناخته باقی مانده اند. در واقع، اقتصاددانان کلاسیک از جمله: آدام اسمیت، ریکاردو، مالتوس و در چند دهه بعد افراد دیگری همچون رمزی، یانگ، نایت و شومپیتر بسیاری از ایده های اساسی را که امروزه در نظریه های رشد به کار می‌روند مهیا کردند. از دیدگاه تسلسل تاریخی، نقطه شروع نظریات رشد اقتصادی با مقاله پروفسور رمزی به سال ۱۹۲۸ باز می‌گردد و مهم‌ترین دستاوردهای بعدی مربوط به کارهای سولو و سوان در سال ۱۹۵۶ می باشد. مدل رشد سولو یا مدل رشد سولو - سوان یک مدل رشد اقتصادی با ویژگی‌های برونزا، بلندمدت و در چارچوب نظریات مکتب کلاسیک است. این مدل به طور مستقل توسط دانشمندان رابرت سولو و تریور سوان در سال ۱۹۵۶ توسعه یافته، و جایگزین مدل پسا کینزینی هارود - دومار شد (عجم اوغلو، ۲۰۰۹، ۴۸). در سال ۱۹۹۲، لوکاس و بارو نیز در نظریات خود با وارد کردن نیروی انسانی آموزش دیده، مدل‌های رشد جدیدی را بیان نمودند. همچنین، نظریات رشد اقتصادی جدید بر تأثیر نهادهای سیاسی و اقتصادی و همچون امنیت اقتصادی بر رشد اقتصادی تأکید دارند (شاه‌ابادی و همکاران، ۱۳۹۴). در نهایت اقتصاددانان کلاسیک معتقدند که تمرکز سرمایه به مثابه کلیدی برای توسعه اقتصادی است و برای تمرکز سرمایه نیاز به پس انداز بیشتر وجود دارد. به عقیده کلاسیک‌ها انگیزه سودجویی عامل اصلی سرمایه گذاری‌ها است و هر چه نرخ سود بالاتر باشد میزان تمرکز سرمایه و در نتیجه سود بیشتر خواهد بود (قره باغیان، ۱۳۷۲). در اکثر کشورهای در حال توسعه، به دلیل پایین بودن سطح پس انداز، درآمد ناچیز، بازدهی نازل، نرخ رشد جمعیت بالا، کمبود تجهیزات سرمایه ای، توزیع نابرابر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

درآمد، فقدان مؤسسات مالی سازمان یافته، عقب افتادگی اقتصادی و تکنولوژی و کسری بودجه، سرمایه گذاری داخلی انجام شده در حد مطلوب نمی باشد و این کشورها جهت جبران عقب ماندگی متوسل به کشورهای دیگر شده و با استقراض از کشورها، شرکت ها و مؤسسات مالی، امتیازات سنگینی نیز به مؤسسات وام دهنده داده می شود و بعضاً نیز از منابع جذب شده استفاده بهینه ای نمی شود. آدام اسمیت (۱۷۷۶)نظریه اقتصاد کلاسیک و رقابت‌پذیری[1] را مطرح کرد که در این نظریه تخصص‌یابی به شکل تقسیم کار صرفه‌جویی ناشی از مقیاس و تمایز در بهره‌وری در سطح یک کشور/منطقه را به وجود آورد. برای اسمیت، سرمایه‌گذاری در سرمایه (ماشین‌آلات پیشرفته) و تجارت (افزایش مقیاس بنگاه) تخصص‌یابی را تسهیل و رشد بهره‌وری و برون‌داد[2] (محصول نهایی) را افزایش می‌دهد (مارتین، ۲۰۰۴، ۱۲۵). ازاین‌رو آدام اسمیت مفهوم مزیت مطلق را مطرح نمود به این معنا که یک کشور/منطقه از تخصص در تولید کالایی که در آن مزیت مطلق دارد از مبادله سایر کشورها یا مناطق سود خواهد برد بر اساس این نظریه یک کشور ممکن است کالاهایی را به دلیل مزیت طبیعی[3] (مواد خام، آب و هوا) و یا به دلیل مزیت اکتسابی[4] (تکنولوژی، مهارت و...) با صرفه‌تر تولید نماید (فتحی، ۱۳۸۵، ۲۵).

پس از اسمیت، دیوید ریکاردو (۱۸۱۷) مزیت نسبی را مطرح کرد، او اظهار داشت که کشورها در کالاهایی که در آن‌ها نسبت به سایر کشورها مزیت نسبی دارند، تخصصی می‌شوند و این مزیت نسبی ناشی از تفاوت در فناوری تولید بین صنایع و در میان کشورها و در واقع تفاوت در بهره‌وری نیروی کار نسبی است.

نظریه کینز در موارد بسیاری با نظریه اقتصاد کلاسیک تفاوت دارد یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در عملکرد بازار است. کینز برخلاف پیشینیان خود معتقد بود که قیمت بنگاه‌ها را از بین می‌برد بلکه چسبندگی قیمت می‌تواند به‌جای خود محصول در مقدار (محصول) تعدیل ایجاد کند. یکی دیگر از این تفاوت‌های مهم دیدگاه او نسبت به سرمایه و نیروی کار بود، برخلاف اقتصاددانان کلاسیک که این دو عامل برای تولید را مستقل از هم می‌دانستند فرض این نظریه بر مکمل بودن این دو بود. باوجوداینکه سیاست‌ها و دیدگاه کینزی اساساً اقتصاد کلان است اما با این حال پیامدهای مهمی برای آنالیز منطقه ای دارد به مانند سیاست‌های مداخله‌گرانه‌ای که به‌عنوان پایه‌ای برای سیاست‌های سنتی منطقه ای در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به وجود آمد که در جهت دستیابی به برابری بین مناطق تلاش می‌کرد به‌عنوان مثال ترویج عمومی سرمایه‌گذاری با حمایت یاران‌های از

1 Classical theory
2 output
3 Natural Advantage
4 Acquired Advantage

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

شرکت‌ها و ترغیب آن‌ها به انتقال سرمایه به مناطق فقیرتر را می‌توان ذکر کرد (مارتین، ۲۰۰۴،۱۲۵).

نظریه‌های سنتی (کلاسیک و نئوکلاسیک) تجارت را بر مبنای تفاوت مناطق در تکنولوژی و عوامل طبیعی تولید محقق دانسته‌اند. آن‌ها در توضیح تجارت بین کشورها (مناطق) مشابه با فرمت یکسان و اینکه چرا بین مناطق مشابه ساختاری‌های تولیدی متفاوتی شکل می‌گیرد ناتوان بودند. یکی ویژگی‌های دوران پس از جنگ جهانی دوم رشد تجارت بین کشورهای صنعتی مشابه از لحاظ عوامل تولید و برتری تجارت درون صنعتی در دنیای تجارت است. این تئوری به توضیح چگونگی تجارت بین کشورهای صنعتی و سطح توسعه‌یافتگی مناطق مشابه می‌پردازد و به این خاطر بر صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، تفاوت در تولید و رقابت غیرکامل تأکید می‌کند (مارتین،۲۰۰۴،۱۲۵).

اهمیت افزایش بازده نسبت به مقیاس و رقابت ناقص نه تنها به تغییر شکل نظریه تجارت پیشین کمک نموده، بلکه بر تفکر حاصل از سیاست تجارت و ارائه روش‌هایی برای تجارت مطلوب‌تر نیز اثر خواهد گذاشت. با توجه به مطالعات گسترده در زمینه **NNT**، مسئله افزایش بازده توسط مارشال (۱۹۲۰) بررسی شده و مشخص گردید که افزایش بازده، عاملی برای شرکت‌ها محسوب می‌شود. مدل کراگمن (۱۹۹۱) نشان داد که تجارت در حضور صرفه‌جویی اقتصادی خارجی باعث تمرکز بر صنایع گسترده[1] خواهد شد. وی با توجه به اثرات بلندمدت تجارت بر مناطق، همچنین به تجارت تجمیعی و خود تقویت یافته نیز اشاره‌ای داشت. صرفه‌جویی اقتصادی می‌تواند بر اندازه منطقه، صادرات و تولید اثر گذارد، این شاخص و مزیت هزینه‌ای همگی تحت تأثیر دستمزدهای نسبتاً بالا قرار می‌گیرند. در این تئوری بازدهی فزاینده محرکی است برای تخصصی شدن و تجارت بین کشورها که از مزیت‌های نسبی زیادی برخوردار نیستند. نظریه تجارت نوین را می‌توان انتقال از تغییر بهره‌وری[2] به تولید بهره‌وری[3] در نظر گرفت. تولید بهره‌وری می‌تواند تحت تأثیر عواملی همچون نیروی کار، سطح تکنولوژی، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تجمع، اقدامات استراتژیکی آژانس‌های اقتصادی در زمینه تکنولوژی و نوآوری‌های نهادی محقق کرد. آثار تجمع شهرنشینی، هزینه‌های حمل‌ونقل و صرفه‌های ناشی از مقیاس و تخصصی شدن بخشی از عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری مطرح در این تئوری هستند (مارتین، ۲۰۰۴، ۱۲۵).

در بحث نظریات توسعه منطقه ای نیز می توان به نظریات زیر اشاره کرد.

1 Scale-Intensive Industries
2 exchange efficiency
3 Productive efficiency

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

نظریه‌های همگرایی و واگرایی منطقه ای بالدرین و کانووا[1] (۲۰۰۱) به بازار آزاد و دخالت دولت در خصوص توسعه منطقه ای می‌نگرد. نظریه همگرایی نشان می‌دهد که برابری در بهره‌وری عوامل و سطوح درآمد صرف نظر از شرایط اولیه بدست خواهد آمد. این نظریه یک دیدگاه افراطی از فرضیه‌های بازار آزاد را تأیید می‌کند که دولت نباید هیچ اقدامی انجام دهد بلکه نیروهای بازار تا زمانی که مانعی برای انتشار و اتخاذ فناوری نداشته باشند منجر به همگرایی خواهند شد. مفهوم این دیدگاه این است که دولت باید نقشی را که به ایجاد و حفظ شرایط بازار آزاد کمک می‌کند ایفا نماید. اگر شرایط موجود در بازار از جمله موانع تجاری برداشته شود و میدان رقابت یکسان برای مناطق ایجاد شود همگرایی را در پی خواهد داشت. فرضیه بازار آزاد براساس مدل رشد نئوکلاسیک سولو استوار است. نظریه رشد نئوکلاسیک، ارتباط نابرابری منطقه ای و رشد را رابطه ای منفی در نظر می‌گیرد و بر این نکته تأکید دارد در جهان نئوکلاسیک یا بازار آزاد، نابرابری منطقه ای با آزادی در جا به جایی عوامل تولید و همگام با رقابت کامل به مرور زمان باید از بین برود و همگام با رشد درآمد منطقه، تفاوت‌های منطقه ای از طریق جا به جایی بازار، نیروی کار و سرمایه تمایل به کاهش دارند (زبردست و حق روستا، ۱۳۹۴،۵۲) نابرابری‌های منطقه‌ای نیز به معنای عدم تعادل در ساختار فضایی مناطق است که خود را در شرایط متفاوت زندگی، نابرابری‌های اقتصادی و سطح توسعهیافتگی نشان میدهد. به عبارت دیگر نابرابری‌های منطقه ای به معنای واگرایی یا نابرابری در ویژگی‌ها، فرایندها و یا پدیده‌هایی است که در محدوده فضایی مشخصی اتفاق میافتد. نابرابری منطقه‌ای از دو زمینه اصلی نشأت می‌گیرد: نخست شرایط طبیعی هر منطقه جغرافیایی و دوم تصمیمات سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی که با پیشرفت تکنولوژی از اهمیت عامل اول کاسته و به اهمیت عامل دوم افزوده شده است. بنابراین در ایجاد نابرابری منطقه ای تصمیمات سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بیشترین نقش را ایفا می‌کند. از آثار نابرابری‌های منطقه ای، می‌توان به گسترش رشد و توسعه در برخی مناطق، ایجاد و تشدید نابرابری‌های فاحش درآمدی و رفاه اجتماعی بین مناطق گوناگون و عوارض سوء اقتصادی– اجتماعی و اسباب مهاجرت‌های بی‌رویه اشاره کرد (لسمن، ۲۰۱۴). نظریات مبتنی بر خوشه‌ای شدن در رشد منطقه‌ای و مزیت رقابتی ارتباط نزدیکی با کارهای پورتر (۲۰۰۴ و ۲۰۰۱ و ۱۹۹۸) و مدل‌های به اصطلاح جغرافیای اقتصاد جدید کروگمن (۲۰۰۱ و ۲۰۰۳) دارد. این نظریات بیشتر بر اهمیت اقتصاد خارجی محلی در ارتباط با انباشتگی فضایی فعالیت‌های اقتصادی تمرکز دارد (مارتین، ۲۰۰۵). از دیدگاه پورتر، خوشه‌ها تمرکز جغرافیایی شرکت‌ها و نهادهایی با همبستگی درونی ویژه در یک زمینه خاص هستند. آن‌ها آرایشی از صنایع هم‌بسته و موجودیت‌های دیگر را شامل می‌شوند که برای رقابت

1 . Boldrin & Canova

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مهم هستند (پورتر، ۱۹۹۸). او خوشه‌ای شدن را باعث ایجاد سودمندی عملیاتی و موقعیت راهبردی برای بنگاه می‌داند. خوشه‌های پورتر به‌عنوان نهادهای نوآورانه پیوندی از شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و پیوندهای دانشی میان بنگاه‌های فعالیتی تشکیل‌شده که علاوه بر هم‌مکانی از تبادل شدید دانش و روابط بین فردی نیز برخوردار است (شریف‌زادگان و طوسی، ۱۳۹۴). خوشه‌ها همچنین باعث تشدید رقابت بین شرکت‌ها و سرریز دانش شده که هر دو باعث تحریک نوآوری شده و در نتیجه بهره‌وری را بالا می‌برد و بعد از آن رقابت بر روی صادرات از شرکت‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کند (مارتین، ۲۰۰۵).

اسکافر[1] (۲۰۱۱) در مطالعه ای که به بررسی سیاست‌های اجرا شده جهت جذب سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته آلمان میپردازد، نشان میدهد که بعد از ۱۵ سال از توسعه اتحادیه اروپا، نرخ اشتغال و درآمد سرانه هنوز در مناطق غرب اروپا پایین بود، از اینرو سیاست همگرایی منطقه ای که یکی از سیاست‌های اصلی اتحادیه اروپا میباشد اتخاذ شد. یکی از این مناطق ناهمگون در توسعه، کشور آلمان میباشد؛ کشوری که منطقه شرق آن نسبت به منطقه غرب توسعه یافتهتر میباشد (منطقه شرق آلمان ۶۰ درصد بودجه را در اختیار دارد در حالی که ۲۰ درصد از کل جمعیت آلمان را در اختیار دارد). بنابراین برنامه‌های گوناگونی برای جذب سرمایه خصوصی و افزایش ماندگاری سرمایه موجود در مناطق نسبتاً نامساعد هدف‌گذاری شده است که به نوبه خود به حفظ اشتغال و رشد سریعتر منطقه کمک میکند. در این فرآیند سیاست اقتصاد منطقه ای دو گزینه را در اختیار سیاستگذار قرار میدهد، که از یک طرف سیاستگذاران میتوانند در پی تقویت سطح عوامل ثابت باشند که در کل باعث میشود منطقه جذابیت بیشتری برای سرمایهگذاران خصوصی و جذب مازاد تولید داشته باشد که اکثر این روش‌های غیر مستقیم برای جذب سرمایه، زیرساخت‌های حمل و نقل و دستاوردهای آموزشی مهارت نیروی کار را در منطقه کمتر توسعه یافته، توسعه میدهد. از طرف دیگر جذب سرمایه می تواند با یک روش مستقیمتری نیز جذب گردد که میتوان به حمایت از صنایع و کسب و کارهای کوچک و متوسط و صنایع خوشه ای اشاره کرد. موفقیت این دو گزینه تا حدود زیادی به سطح موجود زیرساخت‌های مناطق و سرمایه انسانی و توانایی استفاده کارا از این مناطق بستگی دارد.

در زمینه سیاست‌های جذب مازاد محلی در کشور اندونزی، مطالعه کنیویلا (۲۰۰۷) نشان می دهد که هدف این دولت به منظور گسترش جذب مازاد اقتصادی و افزایش انباشت سرمایه در مناطق مختلف این کشور عمدتاً بر اصلاحات بازارگرا معطوف بوده است. اصلاحات در سال ۱۹۶۶، پس از تغییر دولت اندونزی، به طور کامل اجرا شد که مرحله اول شامل آزادسازی اقتصادی و گذر

1 Schaffer

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

از سیاست‌های مداخل‌های شدید دولت به سمت اقتصاد مبتنی بر بازار بود. آزادسازی مستلزم ثبات سیاست‌های خارجی، رفع محدودیت‌های مالی، بازسازی سیستم بانکی، آزادسازی رژیم سرمایهگذاری و برنامه‌های حمایت از کشاورزی بود. آزادسازی رژیم سرمایهگذاری شامل فراهم کردن انگیزه و اطمینان لازم برای سرمایهگذاران خارجی جدید و بازگرداندن امتیازات صنایع به بخش خصوصی و خارجی میشد. بدین ترتیب امتیازات برای شرکت‌های دولتی کاهش یافت و قوانین سرمایهگذاری جدید، انگیزه‌های یکسانی را برای سرمایهگذاران داخلی و خارجی فراهم و صادرات و واردات برای تولیدکننده تسهیل گردید. اندونزی همچنین به یک نرخ ارز کاملا شناور یکپارچه متوسل شد که منجر به صادرات و سرمایهگذاری مستقیم خارجی میشد. اکثر قیمت‌های کنترلی حذف شد و یک سیاست بودجه متعادل به تصویب رسید. بازسازی سیستم بانکی شامل ایجاد بانک مرکزی ملی، بهبود دسترسی به اعتبارات، تأسیس شعبات مجاز بانک‌های خارجی و بانک‌های خصوصی داخلی بود یکی از دلایل مهم جذب سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته به شمار میرود.

عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی در ایران توسط محمد دودانگی (۱۳۹۱)، که به تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی و ارائه راهکارهای مناسب برای جذب سرمایه گذاری پرداخته است، با توجه به برازش مدل های اقتصادسنجی نتایج علمی اخذ شده این تحقیق به شرح زیر است:

بررسی ها نشان می دهد که نوسانات قیمت و درآمد نفت خام، ضمانت ها و قراردادهای بین المللی، نوسانات مؤثر نرخ ارز و نرخ تورم بالا باعث افزایش میل به جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در نیل به رشد اقتصادی باثبات و مثبت در ایران شده است و علیرغم تمایلات مثبت، میزان جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، به میزان کافی نبوده است. ارزیابی نتایج حاصل از مدل های اقتصادی نشان داده که عوامل متعددی از هزینه های بخش دولتی، نرخ تورم، درجه باز بودن ، GDP، درآمد ملی اقتصادی، سرمایه انسانی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در میزان کل سرمایه گذاری مؤثر بوده است. در نتیجه این تحقیق، روش های جدیدی پیشنهاد شده که به کار بردن این روش ها می تواند در جهت بهبود محیط کسب و کار و با هدف افزایش سرمایه گذاری مورد استفاده قرار گیرد و در کشورهایی با مشکلات مشابه، اصلاح قوانین و مقررات مرتبط برای بهبود روند جذب سرمایه گذاری مؤثراست.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر روش تحقیق، در زمره تحقیقات کمی–کیفی است که که مراحل انجام آن به صورت زیر می باشد.

مرحله اول: براساس مبانی نظری اقتصادی و توسعه منطقه‌ای و همچنین تجارب سایر کشورها عوامل موثر بر افزایش جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته شناسایی و مدل مفهومی اولیه آن استخراج شده و سپس به منظور بومی‌سازی متغیرها و شاخص‌های استخراج شده از مبانی نظری و تجارب سایر کشورها و تبیین شاخص‌ها و متغیرهای مناسب برای استان های مورد مطالعه، شاخص‌ها و متغیرهای نهایی از تکنیک دلفی فازی استخراج شد. در این مطالعه برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. دیدگاه خبرگان پیرامون اهمیت هر یک از شاخص‌ها با طیف فازی ۹ درجه گردآوری شده است.

درمرحله دوم، به منظور ساختاردهی به شاخص ها و متغیرها و تعیین رابطه مفهومی بین آنها، با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری- تفسیری، ارتباطات بین متغیرها براساس نظر گروهی از خبرگان مشخص شد و مدل مفهومی نهایی استخراج شد. این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از سازه‌های متفاوت در قالب یک مدل نظام‌مند و جامع، ساختاردهی می‌شوند. در واقع با استفاده از این روش تاثیر یک سازه بر سایر سازه‌ها بررسی می‌شود. در این رو می‌توان روابط سازه‌ها را شناسایی کرد و مدلی ساختاری-تفسیری از سازه‌ها ارائه کرد و در نهایت سازه‌ها را براساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی طبقه‌بندی نمود. سازه‌های مورد بررسی جهت ارائه عوامل موثر بر قابلیت جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته کشور عبارتند از:

جدول شماره ۱- سازه‌های مورد بررسی جهت ارائه عوامل موثر بر قابلیت جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته کشور

متغیر	نماد	گویه
شاخص‌های اقتصادی	c۰۱	میزان سرمایه گذاری داخلی
	c۰۲	میزان سرمایه گذاری خارجی(FDI)
	c۰۳	میزان امنیت سرمایه گذاری(امنیت سرمایه) (اقتصادی، محیطی، فیزیکی)
	c۰۴	میزان دسترسی به منابع مالی
	c۰۵	میزان پرداخت های دولتی(میزان سرمایه گذاری در حوزه عمومی، میزان کاهش مالیات)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

متغیر	نماد	گویه
	۰۶C	ثبات اقتصادی
	۰۷C	میزان هزینه تولید
	۰۸C	وجود خوشه های صنعتی
	۰۹C	درون زایی الگوی توسعه ای به منظور توسعه اقتصاد محلی
	۱۰C	میزان رقابت پذیری
	۱۱C	میزان آزادی اقتصادی
	۱۲C	میزان دسترسی به بازارهای مصرف(داخلی، خارجی)
	۱۳C	سطح تکنولوژی موجود
	۱۴C	میزان سرمایه گذاری در حوزه تحقیق و توسعه(**D&R**)
	۱۵C	میزان دسترسی به منابع طبیعی(مزیت طبیعی)
	۱۶C	میزان دسترسی به زیرساخت های فیزیکی(حمل و نقل، انرژی، فناوری اطلاعات و ارتباطات)

منبع: مطالعات پژوهشگر

جدول شماره ۲ - نتایج تعیین سطح متغیرهای پژوهش

	متغیرهای پژوهش	تعیین سطح
C01	میزان سرمایه گذاری داخلی (**C01**)	۷
C02	میزان سرمایه گذاری خارجی(**FDI**) (**C02**)	۳
C03	میزان امنیت سرمایه گذاری(امنیت سرمایه) (اقتصادی، محیطی، فیزیکی) (**C03**)	۲
C04	میزان دسترسی به منابع مالی (**C04**)	۴
C05	میزان پرداخت های دولتی(میزان سرمایه گذاری در حوزه عمومی، میزان کاهش مالیات) (**C05**)	۷
C06	ثبات اقتصادی (**C06**)	۴
C07	میزان هزینه تولید (**C07**)	۹
C08	وجود خوشه های صنعتی (**C08**)	۵
C09	درون زایی الگوی توسعه ای به منظور توسعه اقتصاد محلی (**C09**)	۷
C10	میزان رقابت پذیری (**C10**)	۵

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

C11	میزان آزادی اقتصادی (**C11**)	۹
C12	میزان دسترسی به بازارهای مصرف(داخلی، خارجی) (**C12**)	۴
C13	سطح تکنولوژی موجود (**C13**)	۹
C14	میزان سرمایه گذاری در حوزه تحقیق و توسعه(**R&D**) (**C14**)	۸
C15	میزان دسترسی به منابع طبیعی(مزیت طبیعی) (**C15**)	۱۰
C16	میزان دسترسی به زیرساخت های فیزیکی(حمل و نقل، انرژی، فناوری اطلاعات و ارتباطات) (**C16**)	۶

منبع: مطالعات پژوهشگر

جدول شماره ۳-قدرت نفوذ و میزان وابستگی عوامل موثر بر قابلیت جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته کشور

متغیرهای پژوهش	میزان وابستگی	قدرت نفوذ
میزان سرمایه گذاری داخلی (**C01**)	۳۱	۳۴
میزان سرمایه گذاری خارجی(**FDI**) (**C02**)	۳۷	۲۲
میزان امنیت سرمایه گذاری(امنیت سرمایه) (اقتصادی، محیطی، فیزیکی) (**C03**)	۴۱	۱۷
میزان دسترسی به منابع مالی (**C04**)	۳۷	۲۹
میزان پرداخت های دولتی(میزان سرمایه گذاری در حوزه عمومی، میزان کاهش مالیات) (**C05**)	۳۱	۳۷
ثبات اقتصادی (**C06**)	۳۷	۳۰
میزان هزینه تولید (**C07**)	۱۵	۳۴
وجود خوشه های صنعتی (**C08**)	۳۳	۲۸
درون زایی الگوی توسعه ای به منظور توسعه اقتصاد محلی (**C09**)	۳۰	۳۳
میزان رقابت پذیری (**C10**)	۳۳	۲۹
میزان آزادی اقتصادی (**C11**)	۱۸	۳۸
میزان دسترسی به بازارهای مصرف(داخلی، خارجی) (**C12**)	۳۶	۳۰
سطح تکنولوژی موجود (**C13**)	۱۷	۳۷
میزان سرمایه گذاری در حوزه تحقیق و توسعه(**R&D**) (**C14**)	۲۲	۳۸
میزان دسترسی به منابع طبیعی(مزیت طبیعی) (**C15**)	۹	۴۵
میزان دسترسی به زیرساخت های فیزیکی(حمل و نقل، انرژی، فناوری اطلاعات و ارتباطات) (**C16**)	۲۷	۲۸

منبع: مطالعات پژوهشگر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

در مرحله سوم، به منظور تعیین نمونه آماری پژوهش(۴ استان کمتر توسعه یافته)، ۳۱ استان کشور که به عنوان جامعه آماری انتخاب گردیده است، با استفاده از تکنیک ترکیبی تاپسیس- تحلیل عاملی براساس مولفه‌های فرصت های ساختاری توسعه منطقه ای(محیط طبیعی و جغرافیایی و زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی)، فرصت های سخت افزاری و نرم افزاری، قابلیت های کمی و کیفی و دستاوردهای توسعه رتبه بندی شدند. سپس به دلیل اینکه براساس هریک از ابرشاخص های در نظر گرفته شده، استان های متفاوتی به عنوان استان های کمتر توسعه یافته مشخص شد، تمامی ۳۱ استان کشور براساس رتبه ها و امتیازهایی که کسب کرده اند به گونه های متجانس طبقه بندی شده و از میان آن گونه ها، ۴ استانی که کمترین قابلیت ، دستاورد و فرصت را دارد به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

حال مبتنی بر تحلیل های ارائه شده و نتایج رتبه بندی ها، استانهای کشور را بر حسب مولفه فرصتها(ساختاری و نهادی) میتوان به دو گونه یا خوشه اصلی یعنی مناطق با فرصت بالاتر توسعه و مناطق با فرصت پایینتر توسعه تقسیم بندی کرد. این تقسیم بندی که به طور کلی به وضعیت عدم تعادل در بین استانها به لحاظ شاخص های فرصت توسعه اشاره میکند، معیار اولیه ما برای گونه بندی مناطق است.

براساس نتایج رتبه بندی ها، ۱۵ استان به ترتیب شامل استان های تهران، مازندارن، قم، سمنان،گیلان، ایلام، یزد،کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان شرقی، فارس، لرستان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، زنجان و کرمانشاه در خوشه مناطق با فرصت بالاتر قرار می گیرند. این استانها به طور کلی براساس شاخص های سازنده (مولفه) فرصت از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردارند و در رتبه های بالا در میان سایر استانها جای گرفته اند. البته شایان ذکر است که وضعیت استانهای مذکور به لحاظ تمام شاخصهای سازنده (مولفه) فرصت مشابه نبوده و در برخی شاخص ها تفاوت هایی نیز دیده میشود. بررسی امتیاز تک تک شاخص ها برای هر یک از استانهای فوق الذکر نشان میدهد که برای مثال، در قرار گرفتن استان چهارمحال و بختیاری در گروه مناطق با فرصت بالاتر، شاخصهای فرصت های ساختاری بیشترین تاثیر را داشته اند. به عبارت دیگر این استان به لحاظ این شاخصها از وضعیت بهتری در مقایسه با سایر استان ها برخوردار بوده است. علیرغم این که استان چهارمحال و بختیاری از وضعیت خوبی به لحاظ مولفه های قابلیتهای توسعه منطقه ای و دستاورد توسعه منطقه ای برخوردار نیست، اما به لحاظ مولفه های فرصت در جایگاه خوبی قرار داد.

اما، ۱۶استان دیگر مشتمل بر استان های اصفهان، خراسان شمالی، اردبیل، بوشهر، همدان، گلستان، البرز، کرمان، کردستان ،مرکزی، هرمزگان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، قزوین،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان از لحاظ دسترسی به فرصت ها از وضعیت نامناسب تری برخوردارند. این استانها به لحاظ شاخص های سازنده (مولفه) فرصت در رتبه های پایین جدول قرار گرفته اند؛ و به عبارت ساده از از فرصت های متناسب برخوردار نیستند . با این وجود، بررسی دقیق استان های واقع در این گروه براساس شاخص های مربوطه نشان میدهد که قرار گرفتن برخی استان های به ظاهر توسعه یافته کشور مانند خراسان رضوی، اصفهان یا قزوین در این خوشه می تواند دارای دلایل منطقی باشد. برای مثال، استان خراسان رضوی به لحاظ مولفه هایی مانند فرصت ساختاری و فرصت خدمات اجتماعی از وضعیت نامناسبی برخوردار است؛ یا قزوین از نظر ساختار فرهنگی و اجتماعی و خدمات اجتماعی در رتبه های پایین جدول قرار گرفته است.

جدول شماره ۴ - گونه بندی استان های کشور بر اساس مولفه فرصت (ساختاری و نهادی)

گونه بندی	استان ها
گونه اول: مناطق بهرمند از فرصتها	تهران، مازندارن، قم، سمنان،گیلان، ایلام، یزد، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان شرقی، فارس، لرستان ،چهارمحال و بختیاری، خوزستان، زنجان و کرمانشاه
گونه دوم: مناطق کمتر برخوردار از فرصت	اصفهان، خراسان شمالی، اردبیل، بوشهر، همدان، گلستان، البرز، کرمان، کردستان، مرکزی، هرمزگان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، قزوین، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان

منبع: مطالعات پژوهشگر

به دلیل این که گونه بندی فوق از استان های کشور به دلایلی همچون کلی و اجمالی بودن آن، متکی بودن گونه بندی تنها بر مولفه فرصت، وجود برخی تضادها و تناقضات و ... خالی از اشکال نیست، و نمی تواند مبنای دقیق و درستی برای عمل و تصمیم گیری باشد، معیار ثانویه دیگری یعنی قابلیت توسعه منطقه ای برای تدقیق گونه بندی ها انتخاب شد .اهمیت این مولفه از آنجا ناشی می شود که قابلیت توسعه منطقه ای به عنوان متغیر کانونی به وجود شرایطی اشاره دارد که گزینه های مختلف را برای انتخاب پیش روی مناطق و جوامع قرار میدهد و این امکان را فراهم میسازد تا جوامع منطقه ای با انتخاب خود بتوانند از موقعیت ها و شرایط (فرصتها) بهره برند. لذا، در گام بعدی استانهای کشور براساس میزان برخورداری از مولفه کانونی قابلیت های توسعه منطقه ای به چهار خوشه اصلی شامل مناطق بهرمند از فرصت با قابلیت بالاتر توسعه، مناطق بهرمند از فرصت با قابلیت پایین تر توسعه، مناطق کمتر برخوردار از فرصت با قابلیت بالای توسعه مناطق کمتر برخوردار از فرصت با قابلیت پایین تر توسعه تقسیم شدند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

همانطور که گفته شد مبنای این تقسیم بندی توجه به قابلیتهای توسعه ای مناطق است که براساس آن که مناطق از فرصت ها بهرهمند است ،به دو منطقه با قابلیت توسعه بالاتر و پایین تر ،و مناطق کمتر بهرمند از فرصت نیز به دو منطقه با قابلیت بالاتر و پایین تر تقسیم می شوند. استانهای تهران ،یزد، گیلان، مازندارن، زنجان، آذربایجان شرقی، سمنان، فارس و قم در گونه مناطق بهرمند از فرصت با قابلیت بالاتر توسعه قرار می گیرند و استانهای کهگیلویهوبویراحمد، ایلام، خوزستان، لرستان ،چهارمحالو بختیاری در گونه مناطق بهرمند از فرصت با قابلیت پایینتر توسعه قرار میگیرند. از طرف دیگر، استانهای اصفهان ،خراسانشمالی، اردبیل، بوشهر، همدان، گلستان و البرز در گونه مناطق کمتر برخوردار از فرصت با قابلیت بالاتر توسعه قرار خواهند گرفت و استانهای کرمان، کردستان، مرکزی، هرمزگان، خراسانجنوبی، خراسانرضوی، قزوین، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان در گونه مناطق کمتر برخوردار از فرصت با قابلیت پایین تر توسعه جای می‌گیرند.

جدول شماره ۵- گونه بندی استان های کشور بر اساس مولفه قابلیت توسعه منطقه ای

گونه بندی		استان ها
گونه اول: مناطق بهرمند از فرصتها	مناطق بهرمند از فرصت با قابلیت بالاتر توسعه	تهران، یزد، گیلان، مازندارن، زنجان، آذربایجان شرقی، سمنان، فارس و قم
	مناطق بهرمند از فرصت با قابلیت پایین تر توسعه	کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، خوزستان، لرستان، چهارمحال و بختیاری
گونه دوم: مناطق کمتر برخوردار از فرصت	مناطق کمنر برخوردار از فرصت با قابلیت بالاتر توسعه	اصفهان، خراسان شمالی، اردبیل، بوشهر، همدان، گلستان و البرز
	مناطق کمنر برخوردار از فرصت با قابلیت پایین تر توسعه	کرمان، کردستان، مرکزی، هرمزگان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، قزوین ،آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان

منبع: مطالعات پژوهشگر

در نهایت، براساس میزان نزدیکی استان‌ها براساس مولفه دستاورد، میتوان خوشه‌بندی سومی ارایه کرد. این گونه بندی از دقت بالاتری برخوردار است و میتواند به تدوین دقیق تر راهبردها و سیاستهای اجرایی خاص چندین استان کمک کند. لازم به ذکر است که تشکیل خوشه های جدید

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

صرفاً در داخل خوشه های بزرگتری انجام میگیرد که دارای بیشترین نزدیکی به لحاظ مولفه های فرصت و قابلیت هستند. بر این اساس خوشه های فرعی به شرح ذیل قابل شناسایی است:

گونه نخست یا مناطق محروم چندبعدی، در اینگونه مناطق فرصت‌های ساختاری و نهادی برای منطقه وجود ندارد و در نتیجه اینگونه مناطق از حداقل قابلیت های ممکن برخوردار هستند که این شکاف قابلیتی منجر به کاهش گزینه های در دسترس برای توسعه میشود و دستاورد توسعه چیزی جز منطقه ای محروم و توسعه نامتعادل بین منطقه ای نیست. استان های قرار گرفته در این گونه عبارتند از: کردستان، هرمزگان، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان؛

گونه دوم یا مناطق با توسعه تزریقی ناپایدار، در اینگونه از مناطق در نبود فرصتهای ساختاری و نهادی، قابلیتهای منطقه محدود و اندک است، اما به واسطه تزریق عوامل دستاورد اقتصادی مانند اشتغال، نماگرهای رفاه اقتصادی نشانگر توسعه اقتصادی هستند. استانهای این گروه عبارتند از: کرمان، مرکزی، قزوین، خراسان جنوبی و خراسان رضوی؛

گونه سوم یا مناطق مستعد خیز توسعه، در این گونه مناطق فرصتهای ساختاری و نهادی اندک است، اما منطقه به واسطه ویژگی های خود مانند سرمایه های انسانی یا سرمایه های اجتماعی مستعد دستیابی به توسعه است. شامل استان های اردبیل و خراسان شمالی؛

گونه چهارم یا مناطق توسعه یافته مغفول، در این مناطق وضعیت فرصتهای ساختاری و نهادی نامناسب است، اما به واسطه فرصتهایی که بیشتر ریشه در گذشته دارند و به منطقه اعطا شده اند، قابلیت های منطقه رشد کرده است و بعضا این قابلیتها به دستاورد توسعه تبدیل شده است. شامل استانهای گلستان، همدان، البرز، اصفهان و بوشهر؛

گونه پنجم یا مناطق با شکاف قابلیتی، در این گونه از مناطق فرصتهای قابلیتساز منطقه در حد مناسبی است، اما به واسطه سازگار نبودن این فرصتها با قابلیتهای موجود منطقه و محدودیت قابلیتی موجود در منطقه، فرصتهای اعطایی زمینه بروز توسعه متعادل را فراهم نکرده است. شامل استانهای کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری و کرمانشاه؛

گونه ششم مناطق یا رشد ناپایدار، به آن دسته از مناطق باز میگردد که منطقه از فرصتهای ساختاری و نهادی بهرمند است و همچنین دستاورد توسعه در این مناطق محقق شده است، اما به واسطه کمبود قابلیتها و عدم تناسب این قابلیتها با فرصتهای اعطا شده، دستاورد منطقه بر اساس قابلیت های منطقه نیست، در واقع منطقه دارای رشد ناپایدار است. مشتمل بر استان خوزستان؛

گونه هفتم مناطق یا مناطق آماده توسعه، در این گونه از مناطق فرصتهای قابلیت ساز فراهم بوده است و همچنین، فرصتها به قابلیت تبدیل شده است و ارتباط فرصتها با قابلیتها به خوبی برقرار است، اما در حال حاضر دستاورد نهایی برای توسعه منطقه در حد بالا فراهم نشده است، در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

واقع این مناطق به واسطه وجود فرصتهای قابلیت ساز و قابلیتهای توسعه منطقه ای نزدیکترین مناطق به مناطق توسعه یافته هستند، مشتمل بر استانهای مازندران، زنجان،آذربایجان شرقی و فارس؛

در گونه هشتم مناطق که به مناطق توسعه یافته، اشاره دارد، به واسطه وجود فرصت های قابلیت ساز ساختاری و نهادی قابلیتهای لازم برای دستیابی به توسعه فراهم شده است و منطقه با استفاده از این قابلیت ها و فرصت ها توانسته به سطح بالای توسعه یافتگی و رفاه نسبی در قیاس با سایر مناطق دست یابد. شامل استانهای، تهران، یزد، سمنان، گیلان و قم.

جدول شماره۶- گونه بندی استان های کشور بر اساس مولفه های مدل نظری سنجش تعادل و عدم تعادل منطقه ای

معیارهای گونه بندی			نام خوشه	استانها
فرصتها (ساختاری و نهادی)	قابلیت های توسعه منطقه ای	دستاورد توسعه متعادل منطقه ای		
بهره مند از فرصتها	قابلیت بالاتر	دستاورد بالاتر	توسعه یافته	تهران، یزد، سمنان، گیلان و قم
		دستاورد پایین تر	مناطق آماده توسعه	مازندران، زنجان، آذربایجان شرقی و فارس
	قابلیت پایین تر	دستاورد بالاتر	رشد ناپایدار	خوزستان
		دستاورد پایین تر	شکاف قابلیتی	کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری و کرمانشاه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مناطق کمتر برخوردار از فرصت	قابلیت بالاتر	دستاورد بالاتر	توسعه یافته مغفول	گلستان، همدان، البرز، اصفهان و بوشهر
		دستاورد پایین تر	مستعد خیز توسعه	اردبیل و خراسانشمالی
	قابلیت پایین تر	دستاورد بالاتر	توسعه تزریقی ناپایدار	کرمان، مرکزی، قزوین، خراسان جنوبی و خراسان رضوی
		دستاورد پایین تر	محروم چندبعدی	کردستان، هرمزگان، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان

منبع: مطالعات پژوهشگر

پس از گونه بندی ۳۱ استان کشور براساس مولفه های فوق، استانهایی که در گونه نخست قرارگرفته اند و از نظر شاخص های در نظر گرفته شده دارای محرومیت چند بعدی می باشند، به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند که این استانها عبارتند از کردستان، هرمزگان، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان.

نهایتا درمرحله پنجم، با استفاده از تکنیک پرسشنامه(مصاحبه عمیق)، نظر ۸۰ نفر از خبرگان (۱- گروه سرمایه‌گذاران، ۲- گروه مسئولان ومدیران تصمیم‌گیر دولتی و ۳-گروه نخبگان، اساتید و کارشناسان حوزه سرمایه‌گذاری و تولید) در ۴ استان نمونه آماری (سیستان و بلوچستان، کردستان، هرمزگان و آذربایجان غربی - هر استان ۲۰ پرسشنامه) جمع آوری و در ادامه با استفاده از تکنیک معادلات ساختاری مدل مفهومی/ نظری نهایی تایید و اثر بخشی هریک از شاخص‌ها به عنوان متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته(جذب مازاد سرمایه) تعیین گردید.

در بخش آمار توصیفی اطلاعات به دست آمده از ۸۰ نفر به روش مصاحبه عمیق گردآوری شده است.و براساس مشخصات دموگرافیک (جنسیت، سن، تحصیلات) طبقه بندی گردیده در بخش تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق نتایج به دست آمده حاکی از این است که میانگین نمرات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

متغیرها بین ۲,۹۵۸ تا ۳,۸۵۸ بوده است و برای به دست آوردن میزان پایایی ازمدل اندازه گیری، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شد که بر اساس نتایج مدل اندازه‌گیری، بار عاملی مشاهده شده در تمامی موارد مقداری بزرگ‌تر ۰,۵ داشت که نشان می‌دهد همبستگی مناسبی بین متغیرهای قابل‌مشاهده با متغیرهای پنهان مربوط به خود، وجود دارد و همچنین براساس نتایج مدل اندازه‌گیری، مقدار بوت استراپینگ (آماره **t**) در تمامی موارد از مقدار بحرانی ۱,۹۶ بزرگ‌تربوده که نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرهای قابل‌مشاهده با متغیرهای پنهان مربوط به خود معنادار است؛ در مورد متغیرهایی که توسط یک سوال تبیین می گردند مقدار بار عاملی برابر یک به دست آمده و احتمال ساخته شدن متغیر توسط همین یک سوال، صد در صد است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر متغیر مکنون به‌درستی توسط متغیرهای آشکار خود مورد سنجش قرارگرفته است. با عنایت به یافته‌های حاصل از این مقیاس به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. مقدار ضریب پایایی ترکیبی (**CR**) و آلفای کرونباخ نیز برای تمامی ابعاد مدل مورد مطالعه بیشتر از ۰,۷ است و از این رو می‌توان ادعا کرد که پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

جدول شماره ۷- آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

متغیرها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (**CR**)
اقتصادی	0.970	0.697
جذب مازاد	0.934	0.604

منبع: مطالعات پژوهشگر

برای به دست آوردن روایی پرسشنامه از روایی واگرا و همگرا استفاده شده است که در روایی همگرا، مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده **(**AVE**)** همواره بزرگ‌تر از ۰,۵ است و مقدار پایای ترکیبی نیز در تمام موارد مقداری بیشتر از ۰,۷ به دست آمده که از مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) نیز بزرگ‌تر است، بنابراین روایی همگرا تائید شد. برای روایی واگرا یک ماتریس تشکیل داده شدکه مقادیر قطر اصلی ماتریس جذر ضرایب AVE هر سازه و مقادیر پایین قطر اصلی، ضرایب همبستگی بین هر سازه با سازه‌های دیگر است ، در هر ستون، جذر AVE هر سازه از ضرایب همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر بیشتر شده است که این مطلب حاکی از قابل‌قبول بودن روایی واگرای سازه‌ها است. در مجموع با تائید روایی همگرا و واگرا، روایی کلی مدل اندازه‌گیری نیز مورد قبول واقع می‌گردد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

جدول شماره ۸- روایی همگرای متغیرهای تحقیق

متغیرها	AVE	CR
اقتصادی	0.697	0.973
جذب مازاد	0.604	0.944

منبع: مطالعات پژوهشگر

جدول شماره ۹- روایی واگرای متغیرهای تحقیق

	اقتصادی
اقتصادی	0.835
جذب مازاد	0.770

منبع: مطالعات پژوهشگر

پس از سنجش روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری از طریق روابط بین متغیرهای مکنون مورد ارزیابی قرار گرفت، برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل از بررسی اعتبار که شامل شاخص بررسی اعتبار اشتراک[1] و شاخص بررسی اعتبار افزونگی[2] می‌باشد، استفاده‌شد که با توجه به نتایج به دست آمده شاخص‌ها مثبت و بزرگ‌تر از صفر بودند. همچنین پس از انجام محاسبات، مقدار شاخص GOF عددی برابر ۰,۷۰۸۰ به دست آمدکه شاخصی قوی بوده و نشان از کیفیت بالای کلی مدل دارد.

جدول شماره ۱۰- شاخص‌های اشتراک و شاخص افزونگی

متغیر	شاخص‌های اشتراک(CV **Com**)	شاخص افزونگی(CV Red)
اقتصادی	0.651	0.651
جذب مازاد	0.529	0.440

منبع: مطالعات پژوهشگر

در بخش آزمون فرضیه رابطه متغیرهای موردبررسی بر اساس یک ساختار علی با تکنیک حداقل مربعات جزئی **PLS** آزمون شد و در مدل کلی تحقیق، مدل اندازه‌گیری (رابطه متغیر قابل‌مشاهده

1 CV Com
2 CV Red

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

با متغیر پنهان) و مدل ساختاری (روابط متغیرهای پنهان با یکدیگر) محاسبه شد .برای سنجش معناداری روابط نیز آماره **t** با تکنیک بوت استراپینگ محاسبه شد.

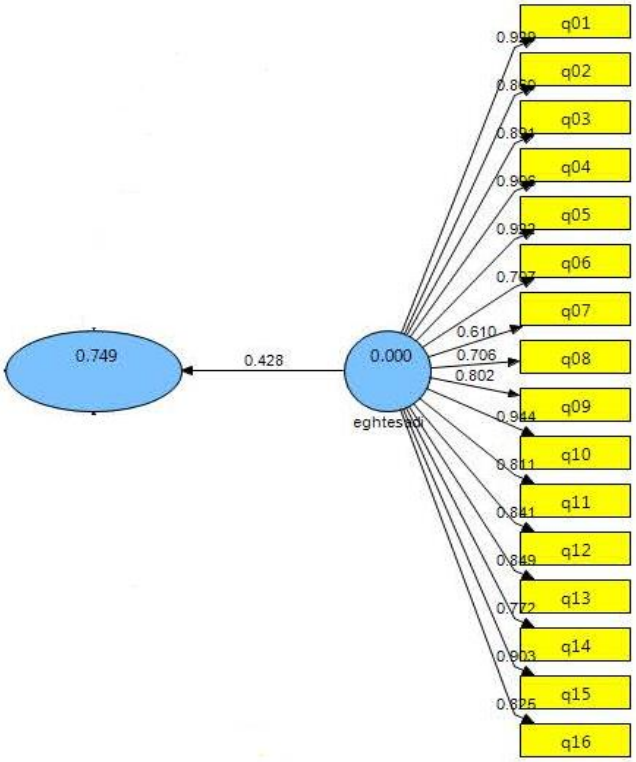

عنوان: مدل کلی پژوهش با تکنیک بوت استراپینگ

منبع: منبع: مطالعات پژوهشگر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

شدت اثر شاخص های اقتصادی بر جذب مازاد سرمایه برابر ۰/۴۲۸ محاسبه شده است و آماره احتمال آزمون نیز ۴/۰۲۵ به‌دست‌آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی **t** در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد تأثیر مشاهده‌شده معنادار است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ شاخص های اقتصادی بر جذب مازاد سرمایه تاثیر معناداری دارد و فرضیه تایید می گردد. شاخص های اقتصادی دارای بیشترین میزان تاثیر بر جذب مازاد سرمایه هستند. از موثرترین آیتم های شاخص اقتصادی بر جذب سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته می توان به کاهش هزینه تولید در مناطق کمتر توسعه یافته، میزان آزادی اقتصادی در این مناطق، سرمایه گذاری در حوزه تحقیق و توسعه، سطح تکنولوژی موجود در این مناطق اشاره کرد که بر اساس نفوذ متغیرها و قدرت وابستگی در دسته متغیرهای مستقل قرار دارند و از میزان اثرگذاری بالایی برخوردار هستند. متغیرهای پیوندی در این شاخص، دسترسی به بازارهای مصرف، میزان سرمایه گذاری داخلی، میزان دسترسی به منابع مالی، میزان پرداخت های دولتی، خوشه های صنعتی، میزان رقابت پذیری در این مناطق و میزان دسترسی به زیرساخت های فیزیکی می باشند که قدرت اثرگذاری و اثرپذیری بالایی دارند و موجب تغییر در سیستم می شوند. متغیرهای وابسته در این شاخص که اثرگذاری نداشتندعبارت اند از: میزان سرمایه گذاری خارجی و میزان امنیت سرمایه گذاری در این مناطق.

در زمینه شاخص اقتصاد آزاد می توان به نظریه‌های همگرایی و واگرایی منطقه ای بالدرین و کانووا[1] (۲۰۰۱) اشاره کرد که به بازار آزاد و دخالت دولت در خصوص توسعه منطقه ای می‌نگرد. همچنین در این راستا می توان به تجارب کشور چین و اندونزی نیز اشاره نمود.

در زمینه رقابت پذیری می توان از اسمیت،نظریه اقتصاد کینزی و مزیت نسبی ریکاردو نام برد. نظریه استراتژی کسب‌وکار نیز بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی[2] هم در بازارهای داخلی و هم در بازارهای خارجی و چندملیتی بودن بنگاه‌ها تأکید دارد. نظریات مبتنی بر خوشه‌ای شدن در رشد منطقه‌ای و مزیت رقابتی ارتباط نزدیکی با کارهای پورتر (۲۰۰۴ و ۲۰۰۱ و ۱۹۹۸) و مدل‌های به اصطلاح جغرافیای اقتصاد جدید کروگمن (۲۰۰۱ و ۲۰۰۳) دارد. این نظریات بیشتر بر اهمیت اقتصاد خارجی محلی در ارتباط با انباشتگی فضایی فعالیت‌های اقتصادی تمرکز دارد. شاخص تغییر زیرساخت فیزیکی را نیز می توان در تجربیات کشور اندونزی مشاهده کرد. دسترسی به بازار مصرف را نیز می توان در تجارب کشور ترکیه یافت.

---

1 . Boldrin & Canova

2 Foreign Direct Investments(FDI)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

راهکارها و پیشنهادات

- پایه درآمدهای اقتصادی ایران، درآمد نفتی است و به هم ریختن این ساختار و این فرهنگ به راحتی امکان پذیر نیست. کشور ایران نتوانست به تناسب مقدار استخراج بشکه ای نفت و بهره برداری مواد خام از منابع طبیعی، توان رقابت اقتصادی را در سایر صنایع افزایش دهد. یکی از راهکارها برای خروج از وضعیت کنونی و حمایت از تولیدات غیرنفتی، از بین بردن نقش واسطه ها در اقتصاد و تنش‌های اقتصادی و سیاسی در کشور است.

-افزایش رشد اقتصادی و تولید با حمایت دولت از سرمایه گذاران، فراهم نمودن زیرساخت ها، اعطای تسهیلات بانکی به بخش تولید، تخصیص یارانه و کاهش بوروکراسی اداری و بهبود فضای کسب و کار، باعث ایجاد رونق اقتصادی و افزایش تمایل به سرمایه گذاری به ویژه توسط بخش خصوصی در این مناطق می شود.

-ایجاد ثبات اقتصادی و کنترل نرخ تورم (بالا بودن نرخ تورم با بالابردن نااطمینانی نسبت به آینده انگیزه سرمایه گذاری را کم می‌کند) و ایجاد نظم و امنیت در بازارهای پولی و مالی کشور به منظور جلوگیری از نوسانات نرخ تورم و نرخ ارز در بازارهای داخلی باعث افزایش تمایل به سرمایه گذاری و افزایش اطمینان خاطر سرمایه گذاری می‌شود. چرا که یکی از عوامل بسیار موثر در توسعه سرمایه گذاری افزایش امنیت سرمایه گذاری می‌باشد که سرمایه گذاران هرچند به دنبال افزایش سودآوری خود هستند اما عامل مهمی که این امر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، احساس امنیت است که نقش دولت و مسئولین در این زمینه بسیار مهم است.

- افزایش هزینه دولت برای فراهم ساختن زیرساخت‌ها باعث افزایش تمایل سرمایه‌گذاران (داخلی و خارجی) در افزایش سرمایه گذاری می شود و از سوی دیگر افزایش هزینه منجر به افزایش تقاضا و ایجاد رونق و افزایش تولید و درنهایت افزایش سرمایه گذاری می شود.

- ایجاد فضای امن برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی، برخورد مناسب با آنها که خود به عنوان مبلغان و تبلیغ کنندگان عمل می‌کنند می‌تواند باعث افزایش سرمایه گذاری شود. چرا که در صورت رضایت سرمایه گذاران از سرمایه گذاری که انجام داده اند، این امر می تواند منجر به افزایش تمایل این سرمایه گذاران در سرمایه گذاری جدید یا جذب سرمایه گذاران جدید شود و همچنین تضمین بی قید و شرط با سرمایه گذاری خارجی انجام شده در کشور باعث احساس امنیت و افزایش اطمینان خاطر در سرمایه گذاران خارجی برای اجرای طرح های سرمایه گذاری می‌شود.

- افزایش درجه بازبودن اقتصاد که لازمه آن تسریع در مبادلات تجاری، اصلاح نرخ تعرفه ها و تسریع در امور گمرکی است باعث افزایش تمایل به سرمایه گذاری و جذب سرمایه گذاری می شود

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

که نقش دولت در این زمینه بسیار مهم و اساسی است و لازم است دولت با اصلاح ساختار مناسب در این بخش، زمینه های جذب سرمایه گذاری را فراهم نماید.

- باتوجه به تاثیر مثبت زیربناهای اقتصادی در جذب و توسعه سرمایه گذاری، ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری می‌تواند زمینه جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی و ایرانیان مقیم خارج از کشور را فراهم نماید.

- توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در کشور و بهره گیری از مزایای آن در جهت کوچک سازی دولت، افزایش رفاه عمومی و توسعه فناوری های نوین

- توجه به برنامه های اقتصادی کشورهای موفق در جذب سرمایه گذاری و اجتناب از تکرار آزمون‌های ناموفق اقتصادی گذشته

- توسعه روابط سیاسی، افزایش ثبات سیاسی، کاهش ریسک سیاسی و حضور موثر در بازارهای تجاری و مجامع مختلف بین المللی و تبلیغات مناسب برای نشان دادن قابلیت‌ها و فرصت‌های سرمایه گذاری می تواند اثرات منفی تبلیغات منفی را برعلیه ایران خنثی نماید، لذا حضور فعال ایران در مجامع و نهادهای بین المللی و اقدامات موثر دولت که برای لغو قطعنامه های شورای امنیت برعلیه ایران و اجرایی شدن برجام انجام گرفته است که نتیجه آن لغو کلیه تحریم های اقتصادی برعلیه کشور است، نوید دهنده جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی و ایجاد رونق اقتصادی است.

- استفاده بهینه از همجواری با کشورهای حاشیه دریای خزر و کشورهای حاشیه خلیج فارس جهت دستیابی به بازارهای بین المللی و شناساندن پتانسیل های موجود در کشور جهت ترغیب سرمایه گذاران

- تقویت بخش خصوصی برای مشارکت با سرمایه گذاران خارجی، تامین بخشی از هزینه های زیربنایی طرح های سرمایه گذاری خارجی و تامین زمین مورد نیاز این طرح ها، ایجاد خوشه های صنعتی برای تقویت واحدهای تولیدی و ایجاد زنجیره تولید و نظارت مستمر بر اجرای مناسب قانون اصل ۴۴ برای تقویت بخش خصوصی و کوچک نمودن دولت در جذب سرمایه بسیار موثر است.

- کم نمودن هزینه اجرای طرح های سرمایه گذاری در هرمرحله از اجرای طرح از صدور مجوز تا به بهره برداری رسیدن آن و ساده سازی و رقابتی نمودن اعطای تسهیلات به کسب و کارهای بخش خصوصی و اعطای یارانه هدفمند توسط دولت به سرمایه گذاران بابت سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال و فراهم نمودن سازوکار اجرایی مناسب برای حمایت قضایی از سرمایه گذاری که باعث بهبود فضای کسب و کار می‌شود، از دیگر اقدامات موثر در توسعه سرمایه گذاران است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

- باتوجه به اینکه ضریب نرخ واقعی ارز پس از تولید ناخالص داخلی بزرگترین ضریب در بین سایر ضرایب است و همچنین تاثیر مثبت بر سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد، ادامه سیاست تک نرخی و کمک به افزایش کارایی بازار آزاد ارز(مکانیزم عرضه و تقاضای ارز)، برای افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی مطلوب است.

- شناسایی عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاران، به ویژه سرمایه گذاری خارجی و شناسایی نقاط قوت و ضعف به تفکیک استان های کشور

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

منابع

۱. آسیدو، الیزابت و لین، دونالد (۱۳۶۸) کنترل سرمایه و سرمایه گذاری مستقیم خارجی ."مترجم :منوچهر مصطفی پور، مجله اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی ، سال هفتم، شماره های ۶۵و۶۶.صفحه های۸۵تا۱۰۷

۲. برخورداری، سجاد(۱۳۸۶). سرمایه گذاری خارجی در سبد مالی . تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

۳. دودانگی، محمد (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۶(۲۳)، ۱۴۷-۱۳۱

۴. شاه‌آبادی، ابوالفضل، امیری، بهزاد و ثمری، هانیه (۱۳۹۴)، تأثیر امنیت اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب**G77** ، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۷۶، ۱۱۵-۱۴۹.

۵. شعبانی و عبدالملکی (۱۳۹۰). توسعه اقتصادی دانش پایه: مبانی نظری، تجربیات و الزامات سیاست‌گذاری (مقایسه تطبیقی ایران و کشورهای پیشرو)، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۶(۱)، ۹۷-۱۲۷.

۶. عزتی، مرتضی و دهقان، محمدعلی (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

۷. عجم اوغلو،دارون.(۲۰۰۹). کلیات علم اقتصاد.مترجم علیرضا بهشتی. نشر روزنه.تهران.

۸. افضلی ابرقویی، وجیهه، خانی قریه گپی، نوشین (۱۳۸۹). علل و آثار فرار سرمایه در اقتصاد ایران. روزنامه دنیای اقتصاد.

۹. زبردست، اسفندیار و حق روستا، سمیه،(۱۳۹۵)، گونه شناسی رویکردهای نظری و تجربی نابرابری های منطقه ای، نشریه نامه هنر، دوره ۱۰، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۶.تهران

۱۰. شریف زادگان ، م ح. ندایی طوسی، س. (۱۳۹۴). چارچوب توسعه فضایی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران ، موردپژوهشی : استان‌های ۳۰ گانه. نشریه هنرهای زیبا. دوره ۲۰. شماره ۳. صص ۵-۲۰.

۱۱. فتحی ، ی. (۱۳۸۵). مزیت نسبی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. تهران.

۱۲. تقوی، مهدی (۱۳۸۲). اصول علم اقتصاد. تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.

۱۳. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۲). اقتصاد رشد و توسعه (جلد اول). تهران، نشر نی، چاپ دوم.

۱۴. کرمی، افشین(۱۳۸۷) .آسیب شناسی بازار سرمایه در ایران و چالشهای پیشرو ."تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.شماره۱۶

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

۱۵. مهرعلی تبار فیروزجانی, م. (۱۳۹۵). تبیین اثر بخشی سازمان های مالی اجتماع محور بر توسعه نواحی روستایی جنگلی- کوهستانی. رساله دکترای رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم جغرافیایی

16. niivilä, M. (2007). Industrial development and economic growth: Implications for poverty reduction and income inequality. Industrial development for the 21st century: Sustainable development perspectives, 1(3), 295-333.
17. Krugman, P. (2005). Second winds for industrial regions? In D. COYLE, W. ALEXANDER, & B. ASHCROFT, New Wealth for Old Nations: Scotland's Economic Prospects (pp. 35-44). Princeton: Princeton University Press.
18. Martin, R. L. (2004). A Study on the Factors of Regional Competitiveness. Cambridge: University of Cambridge.
19. Kniivilä, M. (2007). Industrial development and economic growth: Implications for poverty reduction and income inequality. Industrial development for the 21st century: Sustainable development perspectives, 1(3), 295-333.
20. Poirson, H. (1998), "Economic Security, Private Investment, and Growth in Developing Countries", IMF Working Paper No. 98/4, International Monetary Fund.
21. Romer, D. (2005), Advanced Macroeconomics: 3rd (Third) edition. McGraw-Hill.
22. Rostow, W. W. (1959), The stages of Economic growth, The Economic History Review, 12(1), 1-16.
23. Savas, E. S. (1978). On Equity in Providing Public Services. Management Science, Vol.24, No
24. Schaffer, A. (2011). Appropriate policy measures to attract private capital in consideration of regional efficiency in using infrastructure and human capital (No. 31). Working paper series in economics.
25. Tanzi, V. (2012). Corruption and the Public Administration. World Bank Seminar on Corruption.
26. Martin, R. (2005). Thinking about regional competitiveness: Critical issues. Background 'Think-Piece.'. Paper Commissioned by the East Midlands Development Agency, 26.
27. Hirschman, A., (1958). The Strategy of Economic Development. Yale Univ. Press, New Haven International Monetary Fund, several issues. International Financial Statistics Yearbook. Washington, DC
28. Porter, M. E. (1998). Cluster and the new economics of competition. Harvard Business Review. pp 77- 90
29. Borozan, D. (2008). Regional Competitiveness: Some Conceptual Issues and Policy Implications. Interdisciplinary Management Research (2), 50-63.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

30. Martin, R. L. (2004). A Study on the Factors of Regional Competitiveness. Cambridge: University of Cambridge.
31. Porter, M. E (2008), The five competitive forces, In M. E. Porter, On competition, updated and expanded edition) Vol. 11, pp. 37-73(, United State of America: Harvard Business School Publishing Corporation, Boston.
32. Kitson, M., Martin, R., & Tyler, P. (2004). Regional Competitiveness: An Elusive yet Key Concept .Regional Studies, 31 (9), 991-999.
33. Begg, I. (2002). 'Investability': The Key to Competitive Regions and Cities? Regional Studies, 3182 , 114–255
34. Malecki, E. J. (2002). Hard and soft networks for urban competitiveness. Urban Studies, 39(5-6), 929-945.
35. Camagni, R. (2002). On the concept of territorial competitiveness: sound or misleading?. Urban studies, 39(13), 2395-2411

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]